



<http://www.arianafghanistan.com>

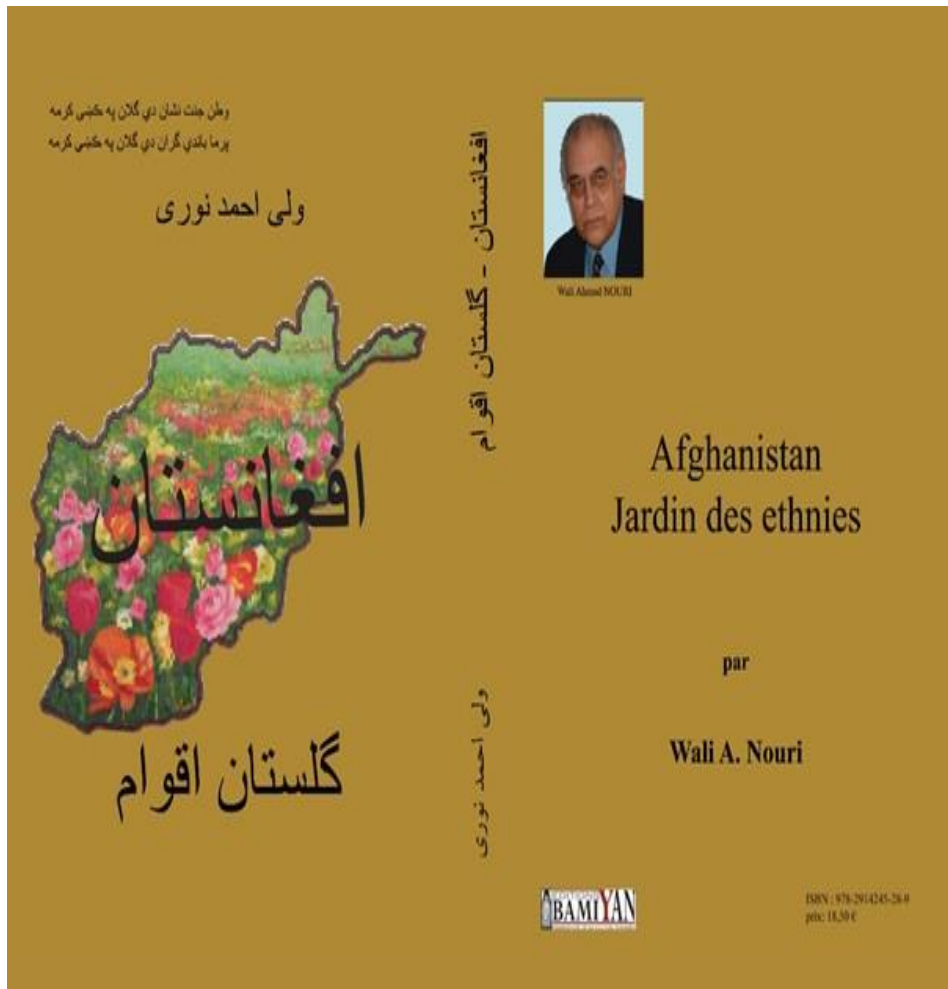


۲۰۱۸/۰۵/۱۱

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قسمت نهم



پاکسازی زبان دری از اصطلاحات پشتو

از محمد عثمان روستا تره کی

۱۵ دسمبر ۲۰۰۴ م

آنچه در بحث (افغان - افغانستانی) بسیار قابل توجه است، انتخاب وقت در تطبیق پلان تحریف و تعدیل ترمینولوژی (terminologie) تاریخی و رسمی "افغانستان" از جانب شخصیت های صاحب غرض است: در اوضاع فعلی شیرازه وحدت ملی به دنبال مداخله خارجی از هم گسیخته است. مردم به فرقه های ناهمگون مبنی بر قراین زبان، قبیله و مذهب تقسیم شده اند. حکومت، قانون و قضاء به مثابه پاسبان ارزش های ملی و ضوابط زندگی جمعی وجود ندارد. بناءً تخطی از نوامیس ملی نه تنها مشمول هیچگونه مویده یی نیست، بلکه در مواردی (مثلاً استعمال "افغانستانی" بجای "افغان") ممکن پاداش برون مرزی هم داشته باشد.

زبان افزار افهام و تفهیم و وسیله بیان عینی پدیده های ذهنی است، که پا به پای انکشاف و تکنولوژی تکامل میکند و بر غنای آن افزوده میگردد.

اصطلاحات مربوط به يك زبان با تمدن مسلطی که زبنا متذکره در مقطع زمان بیانگر آنست راه خود را میان سایر زبان ها باز می نماید. تمدن مسلط در دوره معین تاریخی با اعمال نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و بعضاً مذهبی بخشی از "ترمینولوژی" مختص به جهان بینی خود را داخل زبان های دیگر می نماید.

انکشاف سریع مناسبات بین المللی طی سده های اخیر بر اعمال نفوذ متقابل فرهنگ ها در یکدیگر افزوده است. در میان کلمات کلید و ستندرد، سرحدات کلتوری را بیدریغ در نور دیده و به مثابه حلقه وصل چندین فرهنگ نقش بازی کرده است. به طور نمونه، کلمات رادیو و موتر (لاتینی)، تلفون (یونانی)، سماوار (روسی) از غرب به شرق وارد السنه مروج شد، در حالیکه بازار (دری - فارسی)، فقیر (عربی) و لویه جرگه (پشتو) از زبان های مروج در شرق داخل زبان نوشتار و بعضاً محاوره غرب شده اند.

در افغانستان سچه سازی زبان دری پس از تجاوز شوروی به تبعیت از مشتق تفرقه افگانه قدرت استعماری توسط گروه های "ستم شعار" آغاز گردید و فوکس خصومت آن زبان پشتو بود. درین زمان پشتو زدائی فرهنگ دری درجات مختلف سیاسی و فرهنگی و با بهره برداری از امکانات داخلی و خارجی سازماندهی شد.

پس از احراز قدرت توسط "بیرک کارمل" حلقه هایی از حاکمیت تصور می کردند که مرحله سقوط سیاسی اکثریت قومی که دیگر ختم شده باید با تهاجم فرهنگی زبان دری به بستر های کوچک لغات پشتو که معصومانه در زبان دری جا بجا شده بودند، اكمال گردد.

از آنچه ذکر کردیم بر می آید که منازعه ایکه امروز افغان ها را با افغانستانی ها در تقابل قرار میدهد محصول مبارزه سیستماتیک و دوامداری است که در تاریخ نزدیک کشور ریشه دارد و در واقع از لجن و کثافت تعصبات بی مایه و فرومایه ناشی از مداخله خارجی آب می خورد.

سچه سازی یک زبان با دست آویز طرد کلمات بیگانه اما مانوس از آن و تعبیه اصطلاحات خودی اما نامانوس نه معقول است و نه عملی: معقول به این دلیل نیست که چنین کاری مغایر پروسه طبیعی تلافی فرهنگی متقابل تمدن هاست عملی به این دلیل نیست که چنین اقدامی از توانائی یک زبان در افاده سریع و صریح مطالب می کاهد و شنونده را لااقل تا وقتی که گوش و هوش خود را به شنیدن اصطلاحات جدید (سچه) عادت بدهد، دچار سردرگمی و محسسه میکند درین جا بد نیست شما را در زمینه در جریان یکی از چشم دید های خود بگذارم:

اصلاً پس از تجاوز شوروی به افغانستان پشتو زدائی فرهنگ دری به مشی نیمه رسمی دولتی تبدیل شد. در پاکسازی لسان دری صرفاً حذف اصطلاحات پشتو مورد نظر بود، فقط به همین اصطلاحات به دیده بیگانه نگاه می شد. این تعصب بی مایه بعضاً موجب ظهور صحنه های مضحکی گردید، مثلاً اصطلاح "شاروالی" که ترکیبی از کلمه دری شهر (شار) و صرفاً پسوند پشتو "والی" است، زیر ضربات تعصب قرار گرفت. "پرچمداران ستم ملی" حتی تحمل قرار گرفتن یک پسوند پشتو را در کنار کلمه دری در خود ندیدند، بناءً به عوض اصطلاح زیبا و عام فهم "شاروالی" که در ذهن شهریان کابل به قدر کافی ته نشین شده بود، عبارت عجیب و غریب و عریض و طویل "ریاست شورای اجرایی نمایندگان شهر" را اختراع کردند که برای مدت ها همه برای درک مفهوم آن سرگیج شده و راه خود را گم کرده بود: مراجعین شاروالی با مشاهده لوحه عریض و طویل "شورای . . ." تصور می کردند که شاروالی از محل اصلی خود کوچیده و جای خود را به یکی از سازمان های حزبی خالی کرده است، عابرین در حالیکه در زیر لوحه "شورای اجرایی . . ." قرار داشتند از اینجا و آنجا آدرس شاروالی را می پرسیدند.

در افغانستان قبل از آفت کمونیزم تداخل اصطلاحات پشتو در زبان دری و بالعکس قرینه وصلت خوش به رضای دو زبان و دو فرهنگ شده بود. به این معنی که دری زبانان افغانستان از بکار گرفتن اصطلاحات سچه اما نامانوس دری در نوشتار و گفتار خود، اجتناب میکردند. به عوض سعی بعمل می آمد تا در نوشته و محاوره، اصطلاحات قابل فهم پشتو را بکار ببرند. پشتو زبانان سعی می کردند تا در نوشته و محاوره، اصطلاحات خالص و غیر قابل فهم پشتو را بکار نبرند. به عوض برای بیان مطلب از لغات معمول در هر دو لسان پشتو و دری کار بگیرند.

- چه کسی می تواند مدعی باشد که اصطلاح دانشگاه و دانشکده بیشتر از پوهنتون و پوهنځی برای هزاره های کارته سخی کابل و اوزبک های چاربولک بلخ و تاجک های گلپهار قابل فهم تر باشد؟
- چه شخصی می تواند ادعا کند که "اصطلاح جرگه کبیر ملی" کلیه کم و کیف و حکمتی را که اصطلاح تاریخی "لویه جرگه" افاده می نماید، میتواند منعکس کند؟
- آیا بکار بردن اصطلاح "مجلس کبیر ملی" به عوض لویه جرگه برای محقق خارجی آرزومند تحقیق در مؤسسات حقوقی در تاریخ افغانستان سردرگمی ایجاد نمی کند؟

اصطلاحات پوهنځی، پوهنتون، شاروالی، و غیره محصول امتزاج و همبستگی دو فرهنگ پربار دری و پشتو در کشور است. اتصال بین دو فرهنگ از طریق تداخل لغوی دو زبان از کارنامه های مثبت زمامداران گذشته افغانستان به شمار می رود. به این دلیل که اختلاط و امتزاج زبان ها و فرهنگ ها مایه اصلی همبستگی اجتماعی و ملی به حساب می آید. این درست در جهت مخالف خواست دشمنان خارجی افغانستان است که در صدد اند تا به تمامیت فرهنگی کشور صدمه بزنند و آنرا پارچه های متنوع قابل بلع از نظر فرهنگی و لسانی برای بیگانگان تبدیل نمایند.

پشتو زدائی فرهنگ دری یکی از تظاهرات ملموس عداوت برخی دری زبانان "پان ایرانیست" در برابر نفوذ بی ضرر اصطلاحات زبان پشتو در ادبیات و زبان دری است که با مداخله ایران در کشور با صدور انقلاب فرهنگی - مذهبی آیت الله ها در منطقه با مخلوقات سیاسی خود ساخته در کارزار افغانستان، با بنیان گذاری "طرح پژوهش فرهنگ افغانستان در تاریخ معاصر"؟ بدست ملاحی توسعه طلب ایران و بالاخره با تحریک پان ایرانیست های افغانستان و تاجیکستان برای احیای امپراتوری کوروش کبیر ابعاد گسترده یافته است.

جای شك نیست که به شهادت تاریخ زبان و فرهنگ دری میراث مشترك قابل افتخار دو کشور است و زبان دری در بسا مورد در افغانستان زایش و پرورش یافته است. بناءً مشی انکشاف زبان دری به مثابه یکی از زبان های ملی و رسمی باید جمله مکلفیت های جدی حکومت های ملی آینده باشد. اما انکشاف یک زبان به طور قطع سچہ سازی آنرا افاده نمی نماید .

انکشاف یک زبان مستلزم تقویت قدرت جاذبه آن در هضم و تحلیل لغات بیگانه است، رشد یک لسان از طریق بلند بردن ظرفیت تطابق آن با السنه محلی میسر است. نموی یک زبان از راه همزیستی مسالمت آمیز آن با سائر زبان ها امکان پذیر است مشی سچہ سازی، زبان را از استعمال اصطلاحات معمولی که برای افاده و درعین حال اثبات سلاست خود لازم دارد، محروم می سازد و از کارائی آن تا سرحد سقوط به یک حربه سیاسی آلوده با زهر تعصب قومی می کاهد.



عذر بدتر از گناه

از علی یاور

دوم آگست ۲۰۰۴م

آقای ولی احمد نوری قبلاً نوشته بودند که (استعمال نام "افغانستانی" جرم است) ولی ماهیت جرمی آنرا تعیین نکرده بودند که چه نوع جرمی است. البته به این مقاله در وقت و زمانش از سوی محترم عبدالله رها پاسخی داده شده بود.

به تازگی انجنیر صاحب خلیل الله معروفی از کلمه "جرم" آقای نوری "گناه" استنباط کرده اند، ولی باز هم معلوم نشد که ماهیت این گناه چیست؟ گناه صغیره است یا کبیره و عقوبت آن در قیامت چه خواهد بود؟ و بکدام استناد گناه خوانده شده است؟

اگر علمای کرام در مورد روشنی افکنده و ماهیت آنرا بنمایند به وظیفه دینی خود عمل خواهند کرد. با عرض حرمت

پایان قسمت نهم

ادامه دارد

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Walinouri_afghanistan_golestaan_aqwaam_08.pdf

